

## حاج محمد حسین خان ۱۳۵۲ نظام الدوله اصفهانی

از بدو کشورستانی خاقان شهید متدرجاً ترقی کرد و در دولت خاقان صاحبقران کارش بالا گرفت به حکومت کاشان و قم و اصفهان و منصب استیفای ممالک از اقران ممتاز شد، و بعد از رحلت وزیر بی نظیر میرزا محمد شفیع مرحوم به صدارت عظمی مخصوص گردید، در بذل و کرم از حاتم و معن زائده درگذشت، در جود و سماحت و بزرگواری و احسان، ثانی قآن بود. چاکرانش صاحب دولت و ثروت شدند و هر یک به حکومتی و خدمتی ممتاز آمدند، در تربیت ایام و اطفال و طلاب و تقویت علما و فضلا و سادات و عموم ارباب استحقاق دقیقه‌ای از دقایق بذل و جهد نامرعی نداشتی، در بدو حال «امین الدوله»، پس از آن «نظام الدوله» از آن سپس به «صدر اعظم» ملقب شد، و فرزندش به شرف مصاهرت مفاخرت یافت و فی الواقع رتق و فتق عراق و فارس و یزد و قم و کاشان کلاً خاصه او بود و در تمام ممالک محروسه خاقان مبسوط الید و مختار مطلق گشت.

شاهزادگان عظام بی استیذان او در امرای دخالت نتوانستندی با وجود این مقام بلند شبها در لباس غیر معروف به گرد محلات گشتی و به علما و فقرا و ارامل و ایام وجوه نقد دادی و التماس دعا کردی و عذر خواستی، و همه ساله به جمعی از سادات صغیر و طلاب کبیر مرسومی معین و ملبوسی مزین بذل نمودی، در شرم حضور و حفظ الغیب کمال و مروّت و نهایت فتوّت داشت و از بخشش پانصد (۵۰۰) تومان و یک هزار (۱۰۰۰) تومان شرم می داشت، کارگرمش به جائی رسید که مردم نادان او را صاحب عمل اکسیر می شمردند و خود اکسیر او زراعت و فلاحت بود که در آن علم و عمل کمال فطانت و حذاقت داشت، تمام صاحب منصبان دربار شاهنشاهی از او مستمری داشته‌اند، و هنگام سفر و حضر به قدر امکان از نقد و جنس اخذ می نموده‌اند از یک هزار تومان تا ده هزار (۱۰۰۰۰) تومان بذل کردی و به منت نام نبردی.

وقتی در سفر خراسان چند تن از تراکمه شبی در فاضل آب مطبخش عریق شدند و وفات یافتند.

زیاده از یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) تومان به دفعات به نجف اشرف و عتبات فرستاده به مصارف اعمال خیر و تعمیرات آن مشاهد مقدسه رسانید، اگر چه از برّ و احسان آن صدر معظم استماع رفته و محقق آمده در این محل نگاشته شود کار تحریر به درازی کشد و از عهده برنیایم و بر او ظلم کرده باشم، اگر عمر وفا کند اندیشه تالیفی در حال اسخیا می رود و تفصیل کرمهای آن صدر بزرگوار در آن نامه مرقوم می شود.

علی الجملة آن بزرگوار در سنه ۱۲۳۸ (هـ / ۱۸۲۳ م) در دارالسلطنه طهران در گذشت رحمة الله.

و فرزند اکبرش عبدالله امین الدوله به جای او مخصوص شد، از فرزندان مکرمش ابراهیم خان ناظر که داماد خاقان مغفور بود در دارالسلطنه طهران می گذراند و جناب میرزا عبدالحسین خان فرزند دیگرش که چندی در دولت خاقان صاحبقران حکومت سمنان و مدتی نظارت دیوان داشته اکنون در اصفهان است و به حسن اخلاق و حسن الخط و وفور فضل و حذاقت در علوم طب مشهور ایران و محسود اقران اللهم احفظه رحم الله معشر الماضین.

### اکفی الکفات میرزا عیسی المشهور به میرزا بزرگ فراهانی رحمة الله

آن جناب از سادات حسینی و فرزند میرزا حسن برادر جناب میرزا حسین متخلص به «وفای فراهانی» وزیر دولت زندیه است که سالها در خدمت عم اکرم نایب الوزاره بودی، پس از انقراض دولت عاجل به دربار خاقان شهید رسید و به خدمتگزاری اشتغال ورزید، و روزگار دولت خاقان بی همال صاحبقران که نواب شاهزاده معظم نایب السلطنه خلافت کبری گردید او نیز قایم مقام صدارت عظمی شد و به آذربایجان رفت، در آن ولایت نظمی نهاد که مافوق آن متصور نه و نظامی قرارداد که منتظم تر از آن در ایران سپاهی آراسته نگردیده، مانند بعضی وزرا رشوه گیر عشوہ پذیر نبودی و انجام کار خلائق را به جهت صلاح دولت و رضای

خالق می نمودی، هر شب صنفی در خدمتش بار داشتند و کار می گذرانیدند و احدی بی موقع به محفلش نرفتی و سخنی بی وقت در حضرتش نگفتی، اگر فرضاً امری واقع شدی که به عرض آن تعجیل بودی فوراً بدان پرداختی و عارض را روانه ساختی، در تمام ایام و هفته امرای دربار نایب السلطنه بی کار و آسوده بودندی و در کاری تعطیل روی ندادی و وی مرفه الحال به تدابیر نظم ملکی پرداختی تا چنان کاخ دین و دولت را مشید و محکم ساختی. احدی از عموم رعایا و برایای آذربایجان را از وی گله در خاطر و شکوه بر زبان نیامدی و ابداً جلالت و تکبر و مناعت بر خود نبستی و مانند صدور فخور به صدر برنشستی.

و چنانکه در اصل تاریخ گذشت با دولت روسیه قاعده معارضه به مثل محکم کرد و آن بنیاد را در این دولت خداداد سربرفلک برد، کتابی در رد ایرادات پادری نصاری نگاشته و بهشت وار به هشت باب مقرر داشته، در هر بابی خطابی فرموده و هر سؤالی را جوابی تحریر نموده که عقلاً و نقلاً چنان تألیفی کمتر نوشته شده است. الحاصل آن وزیر ارسطو نظیر در سنه [۱۲۳۷ هـ] در گذشت<sup>۱</sup> از آن جناب اشعار فارسی نیز در مدح خاقان مغفور صادر شده و فقیر بعضی از آن را در «تذکره مجمع الفصحا» مسطور کرده است.

میرزا معصوم و میرزا ابوالقاسم فرزندان وی بوده اند و مانند پدر معظم کسب کمالات عالیه فرموده اند.

### حاجی میرزا رضاقلی نوانی متخلص به سلطانی

در حضرت خاقان شهید و خاقان مغفور به ملاحظه قدمت خدمت محرمیتی خاص داشته و دبیری هنرمند و وزیری ارجمند بود. مدتها وزارت خراسان فرموده در اواخر ایام با امرای قاجار حاجی جان محمدخان و دیگران به مکه معظمه رفته و

۱. میرزا بزرگ در تاریخ ۲۶ ذی القعدة ۱۲۳۷ هـ در تبریز به ناخوشی وبا که در این سال در آذربایجان و اطراف آن، بل در تمام ایران شیوع داشت در گذشت. سپهر در ناسخ التواریخ درگذشت او را در ۱۲۳۷ هـ و اعتماد السلطنه به سال ۱۲۳۸ ذکر کرده است.

رجوع به طهران از ساحل عمان کرده در شیراز به وزارت نواب شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرما امتیاز یافته توقف گزید و سالی چند بماند، با منش لطفی خاص بود و به حکم همنامی و مورد نیت طبع غالباً صحبت‌های مشفقانه می فرمود از آن جناب است:

### بیت

حکمت لم یزلی بوسف کنعانی را گر به زندان فکند حکمروا نیز کند  
فرزند ارجمندش میرزا محمدتقی منشی الممالک متخلص به «نوائی» در کمالات  
فرید بوده و اشعار نیکو منظوم فرموده، بعضی از آن در تذکره مؤلف ثبت افتاده رحمه  
الله.

### حاجی میرزا نصرالله علی آبادی مازندرانی علیه الرحمه

در بدو ایالت حضرت خاقان مغفور به فارس به وزارت اختصاص [۳۵۳] داشته  
و زمام مهام قبض و بسط ملکی در قبضه تصرفش بوده، بعد از قضیه شهادت خاقان  
شهید آقا محمدشاه و جلوس خاقان فلک جاه اعتمادالدوله در این منصب انسب  
نمود و بدو مفوض شد، ولی در زمان ماموریت نواب حسینقلی خان به فارس شغل  
وزارت مخصوص آن جناب بود. خان معظم الیه در هنگام طغیان خدمتش را  
مکفوف البصر کرده و خود نیز به عینه کیفر دید، لهذا مدت عمر در مازندران و به  
پیشکاری نواب ملک آرا مشغول بود تا رحلت نمود رحمه الله.

### [میرزا مقیم مستوفی]

و برادر کهنترش حاجی میرزا مقیم مستوفی سالها در حضرت خاقانی معزز و مکرم  
و به وزارت نایب السلطنه مخصوص و مسلم.

## امیرزا فضل الله مستوفی

فرزند هنرمندش جناب میرزا فضل الله مستوفی دیوان اعلی در حضرت خاقان صاحبقران معزز و مکرم و مصدر خدمات بود، و بعد از خاقان نیز به مناصب عظیمه رسیده، چنانکه در اصل تاریخ و بعد از این مذکور خواهد شد. میرزا حسن و میرزا ابراهیم الموعود به «میرزا بزرگ» سمی جد امجد برادران جناب مستوفی الشانی مذکورند.

## ابوالفضایل میرزا رضی تبریزی رحمة الله

خلف الصدق میرزا محمدشفیع، مستوفی مادر شاه و وزیر آذربایجان بوده و خود در عهد خاقان شهید قاجار متکفل امورات آن دیار گردیده در بدو دولت ابد مدت خاقان صاحبقران که زمان بهار گلزار کمال بود به دربار خسروی راه یافته زر شش سری هنرش بر محک آزمون خالص و ویژه بر آمده، دیوان رسایل را صاحب آمده و استیفا نیز یافته خاقان معظم را با او مکرمتی خاص بوده و او را به تحریر تاریخی مامور فرموده و میرزا عبدالکریم و آقای عبدالرزاق بیک دنبلی را نیز در خدمت با وی شرکت داده و انواع نوازشها فرموده و وعدهها نموده، بعد از مدتی مدید به معاونت یکدیگر آن تاریخ نگاشتند، مع هذا واقعات دوازده (۱۲) سال از دولت خاقان بی همال در آن مندرج است و آن کتاب را «زینت التواریخ» نام است و تاریخی است منشیانه و با الفاظ صریح و بیانی فصیح و بین الانام به نام میرزا عبدالکریم منشی اشتهااردی اشتهاار دارد.

علی الجملة خطی دلکش و طبعی خوش داشته در عربی و عجمی و ترکی خاقان صاحبقران را مداحی می نموده و آخر الامر مدقوق گردیده در سنه ۱۲۴۳ (هـ) / ۱۸۲۷-۱۸۲۸ م) وفات یافت و نعشش را به امر حضرت شاهنشاه کمال آگاه به مشاهده مقدسه نقل کردند، اشعارش در «تذکره مجمع الفصحا» مسطور است و در تخلص مقاطع به «بنده» مشهور.

## محمود خان دنبلی متخلص به خاور رحمة الله

امیری نجیب و ادیبی اریب و پسرزاده شهبازخان دنبلی بیگلربیگی خوی و سلماس و مرند بوده، شرح حال آبا و اجداد و اعمام و الانزاد سلسله علیه در این تاریخ مذکور گردیده، از زمان صفویه تا این عهد حکومت و ایالت خوی و غیره در این طایفه مخصوص بوده. و شهباز خان مرحوم را با حضرت خاقان سعید شهید محمد حسن خان قاجار ارادتی خاص آشکار، و چنانکه در تاریخ نگاشته‌ام در هنگام محاربه آزادخان افغان با آن سلطان جلیل الشان، شهبازخان عمداً فرار اختیار کرده به زیر رایت ظفر آیت محمد حسن خان قاجار در آمد و آزاد خان به هزیمت رفت، لهذا تبریز نیز ضمیمه ایالت خوی گردیده به وی تعلق گرفت.

و بعد از واقعه خاقان قاجار، محمود خان به دست وکیل زند گرفتار و سالها در شیراز بود و با خاقان شهید آقا محمد خان خلوص موروثی داشت، بعد از رهایی به طهران آمده به حکومت موروثی رسید و بعد از دو سال خود استعفا گزید و ملازم حضور حضرت خاقان صاحبقران شد، و در سلام عام طرف خطاب و صحبت بود و در غیاب امیرالامراء خان قاجار مروزی بدین شرف اختصاص داشت. و خاقان صاحبقران را با وی مرحمتی اخص بود و بعد از رحلت خاقان سالها در خدمت وارث تاج و سریر ایران سلطان محمد شاه ثانی همی بود تا در سنه ۱۲۶۰ (هـ/ ۱۸۴۴ م) در اصفهان رحلت نمود.

در علوم ادبیه اش نصیبی وافرو در طب و ریاضیش حظی متکثر بودی و در نظم فارسی طرزی پسندیده داشته، دیوان اشعارش دیده شده و در تذکره بسیاری گزیده آمده، سابقاً در شیراز به خدمتش رسیدم و ارادتش گزیدم و با منش التفاتی خاص بود و در حضرت خاقان همی ستود، رحمة الله علیه. فرزند ارجمند هنرمندش شهبازخان قوریساول باشی به نام جد امجد موسوم است و در خوبی اخلاق و نیکی ذات در همه عالم وحید، اللهم احفظه.

ابوالمجد و المعالی  
میرزا عبدالوهاب اصفهانی  
علیه الرحمه

لقب «معتمد الدوله» و تخلصش «نشاط» و دیوانش «گنجینه» و نسبش موسوی و نَفَسَش عیسوی، نَفَسَش مرده، دلش زنده، خطش غیرت خط خوبان خطا، خَلَقَش آزرده اخلاق اهل صفا، لقبش چون آفتاب مشهور و ادبش در همه ایران مذکور، در فضل و کمال بی عدیل و در ذوق و حال بی بدیل، همّتش غارت دریا و کان و حشمتش غیرت گیتی و کیهان، از آن پس که در اصفهان به واسطه مخارج زوار و مصارف بسیار مقروض و شرح حالش به خاقان بی همال معروض افتاد، او را به حضور اعلی خواند و بر مسند عزت نشاند و سی هزار (۳۰۰۰۰) تومان قروض او را از خزینة عامره ادا کرد و او را به لقب «معتمد الدولگی» ملقب فرمود، و اختیار قبض و بسط و رتق و فتق مهام انام را به کف کفایتش محول داشت.

آن جناب بر وجهی احسن از عهده بر آمد سالها در دارالخلافة و خراسان مرجع انام و ملجأ اکرام بود و در ابذال و اکرام به دور و نزدیک و ترک تاجیک تقصیری نمی نمود، شرح حالش در تاریخ مذکور است، مجملأ اینکه در همه کمالات بر اقران اسبق و به همه مفاخر و مناصب از همه البق بود، در هر هفته غزلی به نام حضرت خاقان محتوم با ظرفی نبات سفید به حضور شاهی بردن مقرر داشت، باری حضرت نشاط را حلی اعلی بودی و عالمی دیگر داشتی که به تحریر و تقریر نمی گنجد، سالها رفته که بدین جامعیت فاضلی و کاملی به عرصه ظهور نیامده، با آنکه فاضل مردی در حضور سلطانی از اوسختان ناشایسته گفتی وی هرگز بر نیاشفتی.

بیت

گاه عدوگفتی هست او چنان      گاه ولی گفتی هست او چنین  
او ز همه فارغ و آزاد و خوش      چون گل و چون سوسن چون یاسمین  
بالاخره در سنه ۱۲۴۴ (هـ/ ۱۸۲۸-۱۸۲۹ م) تن را به درود کرد و به عالم اصلی بازگشت.

## میرزا محمد تقی صاحب دیوان مازندرانی

آن جناب خلف‌الصدق مرحوم میرزا محمدزکی علی‌آبادی مازندرانی است که در زمان خاقان شهید [۳۵۴] اختیار بیوتات سلطنت مستقلاً بدو انحصار داشت، و در آن حضرت نهایت اقتدار و اعتبار، از آن سپس که میرزای معظم‌الیه به حضرت خاقانی آمد به یمن تربیت پادشاهی روز به روز مقامی اعلی از دیگر روز حاصل شد تا به وزارت نواب شاهزاده معظم‌الله میرزای دارا منصوب و معزز آمد و در ولایت خمسه، سجاس و سهرورد مبسوط‌الید گردید.

و پس از ده (۱۰) سال به حضور خاقان‌بی‌همال بازگشت و در سلک مقربین حضور انباز خلوت خاقانی را ندیم عظیم‌المثال و مجلس سلطانی را دبیر بی‌همال، و به حکم محرمیت امین‌رسایل و امیر قبایل و ملجأ صنادید عالم و مرجع اساتید افاضل گشته، اقرانش به بزرگی اقرار کردند و امثالش به بی‌مثلی اعتراف نمودند. حضرتش کعبه آمال زایرین بود و درگهش قبله طاعات سایرین آمد، در وسعت خلق و فصاحت و طبع و عذوبت لسان و ملوحت بیان محسود همکنان و مجسود همگان گردید، خوان نعمتش پیوسته گسترده بود و بیگانه و خویش و غنی و درویش بر آن برنشسته، همتش عالی و نهمتش متعالی، محاورتش مطلوب و مجاورتش محجوب، با آنکه در مراتب جلال خواجه جلیل و در مناهج کمال صاعدی نبیل بود، اصلاً آثار تکبر و صلف و رعونت و کلف در ناصیه حالش ظاهر نمی‌آمد. مثلاً از صدر مسند وزارت بر خواستن و بر خاک صفت حقارت نشستن در نظر همتش یکسان می‌نمود و به بود و نبود دهر متظاهر و متنافر نمی‌گردید تا کارش چنان شد که در سفر شیراز به نیابت امین‌الدوله وزارت راندی و امارت کردی.

از فرط نیک ذاتی به استماع بی‌تی چند موزون، قبل از ملاقات مرا در حضرت خاقانی ستودن گرفت، و پس از ملاقات در عزم فرود، غالب ایام و لیالی بلکه علی‌الدوام و التوالی در خانه خویشم به انتظار نشاندی، و در خانه خویشم بخواندی، شبها تا نیمه شب مجلس صحبت بود و خلوت الفت، نه در آن طبع متین کسالت و نه در آن رأی رزین کلفت، و در همه اخلاق حمیده فرید و در همه صفات



گزیده و حید بود.

علی‌الجمله بعد از رجوع از فارس شکستگی در مزاجش حاصل شده چندی از زحمت منصب استعفا کرد، تا خاقان صاحبقران در گذشت، آخر الامر خود نیز در سنه ۱۲۵۶ (ه / ۱۸۴۰ م) جهان را گذاشت و به عالم جان گذاشت. در نظم و نثر یگانه و در غزل و قصیده مسلم اهل زمانه است، بعضی از قصایدش در تذکره مسطور کرده‌ام، فرزند ارجمندش آقای میرزا علی نقی در فکر جمع دیوان اوست و اکنون بسیاری نگاهشتن فرموده و آن دیوان مطبوع سزاوار آن است که به جهت تعدد مطبوع گردد.

### میرزا اسدالله خان نوری لشکر نویس باشی

از اعظام رجال دولت ابد دولت خاقان صاحبقران بوده اختیار لشکر و لشکرنویسان در کف کفایتش انحصار داشته و وقتی بر جای امام ویردی میرزا کشیکچی باشی حارس و پاسبان حضرت خاقان صاحبقران و خزینه و اهالی حرم گردیده، و برادرش نصرالله خان به سرکردگی ملازم نور منصوب بوده، از قرار تصدیق سردار با اقتدار محمدزکی خان برادر نامور آن جناب نصرالله خان با والد مؤلف و داد و اتحاد بسیار داشته. در اصل تاریخ تفصیلی از مأموریت شکرالله خان به سرکردگی تفنگچیان نوری به شیراز و آمدن محمدزکی خان به نیابت و رسیدن به مقامات بلند امارت و وزارت فرمانفرما و مصاهرت خاقان صاحبقران نگارش یافته، و احوال میرزا هدایت‌الله نیز در آن مقامات گزارش پذیرفته و تحقیقات شده.

الحاصل جناب لشکرنویس باشی دبیری کاردان و وزیر کدخدامنش آهسته روش بوده، اسباب منصب خود را در کمال پختگی استحکام داده و امور حکومت خود را در ولایات رستمدر در نهایت قاعده انتظام فرموده، در همه اعظام و امرای دربار خاقانی به عقل و فرزانی نام برآورده، و به جزو جزو امور خویش رسیده، اصلاً با انتساب برادر و پسر با خاقان بر و بحر راضی نبوده و بدین گونه امورات تقدم نمی نموده، لهذا بیشتر خاندانهای امرای عهد خاقان برچیده گردیده که اصلاً از

ایشان اثری نیست و به واسطه حسن نیت و صدق عقیدت آن پیر روشن ضمیر سلسله اولاد و عشایر او يوماً فیوماً در ازدیاد و کار دو جهانشان بر مراد است. و اولاد امجدش همه بر مسند عزت مکین و مرجع و مآب اعدا و احبای خویش می باشند.

الحاصل در سنه ... به رحمت ایزدی پیوست و منصب ارجمندش قبل از فوت او به فرزند بی مانند کهنترین جناب میرزا آقاخان که در معنی از دیگران مهتر و بهترین بوده مفوض آمده و در مقام خود به توضیح این اشارت خواهد پرداخت و معنی سخن الاخرون السابقون را مشهود خواهد ساخت.

### امین الدوله عبدالله خان اصفهانی

فرزند ارجمند حاجی محمد حسین خان نظام الدوله صدر اعظم اصفهانی بوده و سالها بعد از پدر خویش در حضرت خاقان صاحبقران وزارت و حکومت اصفهان نموده، مدتی از آن شغل خطیر معزول و در اصفهان به خدمت دیگر مشغول، و جناب آصف الدوله الله یار خان دولو متصدی آن منصب خطیر گردیده، پس از محاربه با روسیه و مصالحه با آن دولت دیگر باره به وزارت اختصاص یافته و تا زمان رحیل خاقان بی عدیل در آن منصب تصرف داشته و خاتمه کارش در زمان دولت حضرت سلطان محمد شاه ثانی قاجار مرقوم خواهد افتاد.

### [میرزا محمد علی خان نظام الدوله]

فرزندش میرزا علی محمد خان ملقب به «نظام الدوله» داماد خاقان و حاکم کاشان، جوانی هنرمند و صاحب کمالات صوری و معنوی و حاوی فضایل و جامع خصایل گردیده، اکنون در عتبات عرش درجات است.

## میرزا محمد علی آشتیانی رحمة الله

برادر اکبر جناب میرزا حسن مستوفی الممالک خلف الصّدق میرزا کاظم آشتیانی قمی است که در دولت خاقان شهید سعید مستوفی الممالک بوده و خود میرزای معظم الیه در خدمت نواب شاهزاده معظم نایب السّلطنه مرحوم کمال عزت و مرتبت داشته و رسیده جات خاصه را بر وجهی احسن می نگاشته. مکرر به رسالت و سفارت مأمور شده و در عقل و تدبیر از دهه‌ها دهر محسوب می گردیده، در نظم و نثر معجز نگار و صاحب رتبه اعلی بوده، دبیری دانشمند و مترسلی بی مانند است. در ضمن این خجسته تاریخ مجملی از شرح خدماتش به تخریر آمده<sup>۱</sup> [۳۵۵] قصاید فارسی را به سبک و سیاق استادان ترکستان منظوم می فرموده و در مقاطع اشعار «مایل» تخلص می نموده، بعضی اشعار فصاحت آثارش در «مجمع الفصحا» مرقوم شده. در سنه .. وفات یافته و به جنت شتافته، فرزند هنرمندش میرزا هدایت الله در این دولت ابد مدت به خدمات دیوان اعلی امتیاز دارد.

## میرزا رحیم فخرالدوله علیه الرحمه

خلف الصّدق میرزا سید محمد طبیب موسوی اصفهانی است که اباعن جد آباء عظامش در خدمت سلاطین صفویه موسویه حکیم باشی بوده اند، والد ماجدش را کریم خان وکیل زند از اصفهان به شیراز برده و جناب میرزا در آنجا متولد شده به کسب کمالات پرداخت، بعد از تکمیل و تحصیل در حضرت خاقان صاحبقران مرتبه اعلی یافت و پیوسته به موافقت جناب میرزا محمد حسین حکیم باشی

۱. نامبرده در ۱۲۳۸ هـ. ق مأمور بستن عهدنامه صلح با دولت عثمانی شد و در شهر ارزنة الزّوم با محمد رثوف پاشا سرعسکر و نماینده عثمانی عهدنامه اول ارزنة الزّوم را بر اساس عهدنامه سال ۱۱۶۰ هـ. ق که بین نادرشاه و عثمانی بسته شده بود با پاره‌ای تغییرات منعقد ساخت. هم چنین عباس میرزا او را مدتی به پیشکاری فرزند ارشد خود محمد میرزا گماشت.

اصفهانى و ميرزا احمد به مجلس همايون رفتى، و در هنگام ضرورت معالجه كردى. سيدى خوش شمایل، پسندیده خصايل، عالی همت، صافى فطرت با کمال با جلال بود، مناعتى اندازه داشت و متانتى به اعتدال، بالاخره از طبابت احتیاط کرده مقام منادمت و منصب انشاء ممالک یافت و چندی نیز در شیراز همی زیست، و نواب فرمانفرما با وی توجهات همی کرد. غالب اوقات در آن ولایت حضورش دست می داد و به صحبت شعری همی گذشت، در مکارم اخلاق بی نظیر بود و سیاق غزلش با شیخ شیرازی بس متشابه.

برادر دیگرش حاجى ميرزا باقر ملاباشى فرمانفرمای مرحوم و فضلى تمام داشت و تألیفات همی کرد، کهتر برادرش در حضرت والا حکیم باشى بود، عموماً سلسله علیه ایشان خانواده سیادت و جلال و تقوى و تقدیس بوده اند، وی از خاقان مغفور «فخرالدوله» لقب داشت و به مکه معظمه مشرف شده مراجعت کرد و در قم رحلت نمود رحمه الله علیه.

## میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی

از نجبای آن ولایت و از پروردگان جناب حاجى محمد حسین خان فخرالدوله مروزی مرحوم بوده، پس از فتنه بک جان اوزبک و شهادت امیر الامراء بیرامعلی خان قاجار عزالدینلو حاکم مرو شاهبجان، او نیز جلاء وطن فرموده از راه فارس و سواحل و بنادر به نجف اشرف رفته توقف گزید، و پس از چندی از صحبت اعراب قلیل الاداب ملالت و کسالت حاصل نموده، قصد عراق عجم کرد تا در شهر قم به مصاحبت حاجى سلیمان بیک صباحی کاشانی رغبت نموده که در آن ولایت متاهل شد و متوطن گشت.

چون رأی خاقان ملک آرای به تربیت ارباب استعداد و تقویت اصحاب سداد بود، و امنای دولت نیز مردمانی خیراندیش مکرمت کیش بودند، خاصه جناب فصاحت مآب فتحعلی خان ملک الشعرا که در ترغیب و تشویق اهل هنر جدی بلیغ داشت، شرح حال او را در خدمت خاقان فرشته خصال معروض داشته به حضور

اعلی آمد. چون تبعی وافی و استحضاری وافر در تواریخ داشت مقرر شد که به منصب وقایع نگاری دولت ابد مدت منصوب شود. و چون در علم حساب نیز تجلدی داشت داروغه گی دفتر همیون نیز به وی محول گردید.

و جناب میرزا به انجام خدمات محوله به خود اهمی تمام نمود، وقایع بیست ساله دولت خاقان صاحبقران را در دو مجلد نگاشته و «جهان آرا» مر آن را نام کرده و قصایدی که شعرا و بلغای عهد در مدحت خاقان صاحبقران موزون و منظوم همی نمودند جمع کرده تذکره گونه نثری بر آن نگاشته «زینت المدایح و رتبه المآثر» نام کرده، رساله «قواعد الملوک» و «شیم علیه» و «تحفه عباسی» نیز از تألیفات و تصنیفات آن جناب است، همه را فی الحقیقه نیکو نگاشته. در نظم اشعار «هما» تخلص می کرده، بعضی اشعارش در «تذکره انجمن خاقان» تألیف فاضل خان گروسی راوی مسطور است و بعضی در «مجمع القصحای» هدایت مذکور.

بعد از او مرسوم و منصبش به فرزند ارجمند آن مرحوم میرزا محمد جعفر وقایع نگار این دولت ابد مدت محول و مفوض گردیده است و از زمان آغاز دولت حضرت سلطان محمدشاه ثانی تا حال تحریر که یکهزار و دو بیست و هفتاد (۱۲۷۰ هـ / ۱۸۵۴ م) است و از فوت خاقان بیست (۲۰) سال تمام گذشته این خدمت به ایشان محول است و به اخلاق و اوصاف حمیده در همه عالم ضرب المثل است.

### میرزا فریدون مشهور به میرزا خانلر منشی الممالک

فرزند ارجمند حاجی خان جان بندپئی مازندرانی از طایفه مقدسه حلال خوریه است، والد ماجدش در حکومت آن ولایت کمال سلوک و جلال داشته تا به نحوی که در تاریخ آمده رضاقلی خان قاجار برادر خاقان سعید شهید آقامحمدخان قبل از تمکین بر سریر سلطنت ایران در سنه ۱۱۹۵ (هـ / ۱۷۸۱ م) بر حضرت آقامحمدخان طغیان کرده او را با والده خاقان و حسینقلی خان ثانی که کودک بودند محصور کرده به دست آورده قصد قتل و عمی آنان نمود. حاجی خان جان مذکور و آقاسی خان برادرش مانع آمده او را به ولایت خود بردند و محافظت کردند و عمماً قریب با

سپاهی از تفنگچیان خویش برداشته به دارالملک ساری آورده بر مسند استقلال استقرار دادند، لهذا خدمت آن طبقه در نظر خاقان مغفور بود و میرزا فریدون مشهور به میرزاخانلر را بعد از مراجعت از عتبات عالیات به خدمت آورده روز به روز بر عزت و منصب او افزود و زمام مهام عظیمه دولتی را در دست تصرف او گذاشت و به مناصب عالییه رسانید و به منصب انشاء رسایل اختصاص داد، فرزند دانشمندش میرزا اسمعیل خان را به مصاهرت خویش مظاهرت افزود و محمد قاسم خان فرزند اکبرش را حاکم آن ولایات نمود.

مع القصة آقای میرزاخانلر مردی نجیب با کمال بوده در اخلاق کتابی خوب تصنیف نموده نظماً و نثراً عربیاً عجمیاً در کمال بلاغت است، و نسخه آن کمیاب. و میرزا اسمعیل خان، مستوفی ذیشان و دبیری فطانت شعار متانت دثار است و قابل همه گونه خدمات عظیمه؛ ولی چنان مشهور است که نسبت به قابلیت و استعداد بختش ضعیف و کوکبش کم قوت است.

### میرزا موسی رشتی نایب رحمة الله

خلف حاجی سمیع رشتی است و در دولت خاقان صاحبقران تربیت یافته و به وزارت نواب شاهزاده [۳۵۶] حسنعلی میرزا حاکم دارالخلافه طهران اختصاص جسته، و چندی نیز به نیابت شاهزاده معظم الیه به حکومت یزد پرداخته و روزگاری به پیشکاری خراسان و وزارت شاهزادگان والی آن سامان گذرانیده. در هنگامی که نواب شاهزاده اعظم نایب السلطنه العلیه العالیه عباس میرزای مغفور به انتظام آن ممالک توجه کرده به اشارت حضرت خاقان قدردان در خدمت والا مشیر و مشار و در آن ملک صاحب تصرف و اختیار می بوده است.

چنانکه در صادرات وقایع گذشته در این تاریخ به تحریر پیوسته خدمات کلیه به ظهور آورده، بعد از مراجعت نایب السلطنه به طهران و شرفیابی به حضور خاقان همچنان به وزارت نواب امیرزاده معظم محمد میرزا والی خراسان مخصوص بوده و تا هنگام رجوع از سفر هرات، خدمات کلیه نموده، بعد از خاقان مغفور در خدمت

سلطان محمد شاه ثانی معزز و محترم می‌زیسته تا چنانکه آید در سنه ۱۲۶۵ (هـ / ۱۸۴۹ م) رحلت یافته، فرزندانش دبیران کاردان و در این دولت ابد مدت به مناصب استیفا و غیره اختصاص دارند، خاصه میرزا اسدالله که در وزارت مازندران بی نظیر است.

## فتحعلی خان ملک الشعرای کاشانی رحمة الله

آن جناب از بدو شباب به تحصیل کمالات و اکتساب اخلاق پرداخته در اندک وقتی مسلم اقران شده، غالب اوقات جوانی را به صحبت حاجی سلیمان بیک بیدگلی کاشانی متخلص به «صباحی» می‌گذرانید تا در سال ۱۲۱۱ (هـ / ۱۷۹۶- ۱۷۹۷ م) که خاقان صاحب قران فتحعلی شاه جهانبانی از فارس به جهت زینت تاج و سریر موروثی عم اکرم شهید روانه طهران بود، قصیده فریده معروض داشت و به منصب جلیل ملک الشعرائی نوید یافت.

بعد از جلوس سعادت مانوس خاقانی قصیده‌ای در تهنیت عید سعید نوروز فیروز و مدحت خاقان صاحبقران معروض داشته مورد الطاف و اشفاق بیضا اشراق گردیده به منصب ملک الشعرائی اختصاص یافت، و حکومت قم و کاشان نیز ضمیمه آن خدمت بود.

و در حسن سلوک و رعایت رعیت سرآمد امثال و اقران آمد، و در صله شش قصیده فریده شش هزار (۶۰۰۰) تومان به صیغه تخفیف بقایای کاشان بدو عنایت رفت، و از حکومت استعفا کرده مستدعی خدمت حضور شد، و در کمال جلال و نهایت عزت ندیم محفل حضور خاقانی بود تا در سال عزیمت خاقانی گیتی ستان به قلع و قمع طاغیان قراباغ و دفع و رفع غلبه روس در رکاب ظفر مانوس به نظم مثنوی به بحر تقارب مأمور گردید؛ و روزی دویست (۲۰۰) بیت منظوم همی فرمود تا چهل هزار (۴۰۰۰۰) بیت به انجام آمد و «شهنشاه نامه» نام یافت، و از ابتدا تا انتها به عرض خاقان صاحب قران رسیده، و عده‌ای که سلطان محمود غزنوی به حکیم طوسی کرده بود و بدان وفا نمود، خاقان محمود پاسبان بی وعده به هر بیتی